

## هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم مطالعه موردی مجله «زن روز» و سخنرانی‌های محمدرضا شاه درباره زنان

مسعود کوثری<sup>۱</sup>، امیرعلی تفرشی<sup>۲</sup>  
دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۵؛ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۴

### چکیده

چگونه یک ایده شکل می‌گیرد و چگونه یک گفتمان به حاشیه‌رانده شده، برجسته می‌شود؟ این پرسشی است که گفتمان‌شناسان در حوزه‌های مختلف، همواره در تلاش برای پاسخ‌گویی به آن هستند. این پاسخ‌گویی همواره نیاز به پُر کردن خلأهای بایگانی گفتمان‌شناسی دارد تا پژوهشگرانی که قصد تحلیل دارند، بتوانند با ارجاع هم‌زمانی یا درزمانی، سیر تطورات گفتمانی در حوزه‌های مختلف را - به صورت بینادهنی - درک و تحلیل کنند. پژوهش حاضر در این راستا و همچنین برای درک هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم انجام شده است. همچنین این پژوهش، در فهم چگونگی نزاع گفتمانی در دوره پهلوی دوم، و اینکه نزاع‌های کنونی جامعه ایران بر سر هژمونی معنایی در حوزه زنان، تا چه حد دارای اشتراک‌ها و افتراق‌های معنایی و ارتباط با گفتمان پهلوی دوم و وابستگی‌ها هستند، به پژوهشگران گفتمان‌شناسی کمک می‌کند. بر این اساس، مهم‌ترین سخنرانی‌های محمدرضا شاه درباره زنان، به‌همراه مجله «زن‌روز» - به‌عنوان نشریه نزدیک به گفتمان رسمی حکومت پهلوی در حوزه زنان - با کمک روش تحلیل گفتمان به روش لاکلا و موف، بررسی شدند. از جمله نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، درک دال مرکزی «امروزی بودن» برای گفتمان پهلوی دوم است که در جاذبه‌ای نزدیک با «اجتماعی بودن» قرار می‌گیرد. این گفتمان، تأکید زیادی بر زیبایی و جذابیت دارد، و حجاب و به‌ویژه چادر را به‌سبب ضدیت با اپیستمه‌هایی مانند منطقی و عقلانی بودن و همچنین همراهی آن با واپس‌گرایی، به حاشیه می‌راند. همچنین گفتمان پهلوی دوم، گفتمان مارکسیستی و هویت‌های مذهبی را به‌شدت غیریت‌سازی می‌کند، اما اگر بخواهیم درباره وجه غلبه آن صحبت کنیم، اغلب درگیری‌های گفتمانی‌ای که مجله زن روز و سخنرانی‌های محمدرضا پهلوی پرچمدار آن است، به دیگری‌سازی مذهب و هویت‌های مذهبی، و واسازی پیوند اجزای آن با هویت زنان مربوط می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** هویت زنانه، پهلوی دوم، زن روز، تحلیل گفتمان، لاکلا و موف.

۱. دانشیار علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Mkousari@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Amiralityafreshi@gmail.com

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به حوزه تحلیل گفتمان، پر کردن خلأهای گفتمان‌شناسی در مطالعات پژوهشی است. هر پژوهشگر تحلیل گفتمانی باید درکی از هویت‌های گفتمانی مختلف، به‌ویژه گفتمان‌های پیشینی (تاریخی) که تبدیل به نظم گفتمانی و معرفت بنیادین (اپیستمه) برای گفتمان‌های کنونی شده‌اند<sup>۱</sup> و یا گفتمان‌های رؤیت‌ناپذیر که برحسب نزاع گفتمانی به حاشیه رانده شده‌اند، داشته باشد. در وضعیت گرد هم آمدن چنین داده‌هایی، به نوعی تبارشناسی گفتمانی در حوزه‌های مختلف دست می‌یابیم و این گفتمان‌شناسی با توجه به موقعیت زمانی-جغرافیایی موردنظر - که در گفتمان‌شناسی جامعه ایران، گفتمان‌های همین موقعیت جغرافیایی درنظر گرفته می‌شود - برای مطالعات پژوهشی مختلف کاربرد خواهد داشت. لازم به یادآوری است که بی‌تردید تحولات معنایی خارج از مرزهای کشور ایران نیز بر گفتمان‌های موجود در میدان گفتمانی ایران اثرگذار است. با این حال، پژوهشگر تحلیل گفتمان ایرانی که به بافت گفتمانی موقعیت زمانی-جغرافیایی و تاریخ خود دسترسی دارد، بهترین فرد برای درک هویت گفتمانی و گفتمان‌های کشور خودش است، زیرا به درک بافت معانی در این گفتمان‌ها مسلط است و می‌داند که کدام نشانه، چه معنایی را دربر دارد. پر کردن خلأ گفتمان‌شناسی، تنها با مطالعات پژوهشی درباره گفتمان‌های پیشینی انجام می‌شود. پژوهشگر تحلیل گفتمان باید درکی از چنین گفتمان‌هایی داشته باشد تا بتواند با شناخت تطورات گفتمانی جامعه خود، ریشه‌های گفتمان‌های کنونی را درک کند و برحسب ارجاعات گفتمانی، ارتباطی میان گفتمان‌های پیش‌ساخته و گفتمان‌های کنونی جامعه برقرار کند؛ بنابراین، مقاله حاضر در راستای عمل به این رسالت در حوزه پژوهش گفتمان‌شناسی، قصد دارد هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم را بررسی کرده و بفهمد<sup>۲</sup>. این فهم، علاوه بر کمک به ایجاد بایگانی گفتمان‌شناسی، به درک زمینه گفتمانی حال حاضر زنان - و تبارشناسی برساخت هویت گفتمانی آن‌ها از دوران پهلوی دوم تا زمان حال - کمک می‌کند. از جمله فواید دیگر این پژوهش، فهم نزاع‌ها و درگیری‌های گفتمانی در دوره پهلوی است. علاوه بر این، درک مفصل‌بندی گفتمانی‌ای که پهلوی دوم قصد برساخت آن را برای زنان داشته است، و فهم چگونگی تثبیت هژمونی گفتمان خودی و غیریت‌سازی گفتمان‌های متخاصم توسط وی - از طریق سخنرانی‌های مستقیم و همچنین غیرمستقیم، با واسطه مجله زن روز - از جمله اهداف این پژوهش است.



۱. منظور، گفتمان‌های تاریخی‌ای است که در موقعیت زمانی-جغرافیایی پدیده موردتحلیل پژوهش‌ها، به‌عنوان ریشه و معنایی نهانی آن گفتمان‌ها به‌شمار می‌آیند.  
۲. نظم گفتمانی «هویت زنانه» یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌انگیزترین حوزه‌هایی است که گفتمان‌های مختلف برای معادگی به آن تلاش می‌کنند.

## ۱. پیشینه پژوهش

نظرزاده و افخمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف کوشیده‌اند جایگاه زنان در دو گفتمان سیاسی متمایز دهه ۱۳۸۰ را بررسی کنند. آنان با بررسی متون، به این نتیجه دست یافته‌اند که گفتمان اصلاح طلب با گرایش به تجددگرایی، دال محوری مشارکت زنان را در مفصل‌بندی خود دارد، و در سوی مقابل آن، که به سنت‌گرایی گرایش دارد، گرگاه خانواده‌محوری صرف، در مرکز قرار گرفته است.

قوام و اسدی (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل گفتمان لاکلا و موف، جدال بین دو گفتمان «سنت» و «تجدد» را در زمینه مسئله زنان و در بافت جغرافیایی ایران بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران «گفتمان نوگرایی دینی» را به‌عنوان بدیل گفتمانی‌ای که از دل تقابل و رقابت بین دو گفتمان سنت و تجدد در ایران متولد شده است، بازنشاسایی کرده و به بررسی مسئله «هویت زن» از نگاه گفتمان نوگرایی دینی پرداخته‌اند.

دویتز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود به مطالعه درباره اهمیت رسانه‌های عمومی در زندگی روزمره دختران پرداخته است. این پژوهش به روش کیفی و بر مبنای هشت‌ماه مطالعه مردم‌نگارانه محیط در دو مدرسه با حضور گروهی از دانش‌آموزان ۱۱ تا ۱۲ ساله در کشور هلند انجام شده است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از اینکه: «چگونه دختران در کلاس از رسانه استفاده می‌کنند؟» و «رسانه چه اهمیتی در زندگی روزانه آن‌ها دارد؟». علاوه بر این، پژوهش یادشده به بررسی نقش رسانه در امور هویت‌بخش نیز پرداخته است.

ادی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) به تحلیل گفتمانی ساختار هویتی زنان مجرد بدون فرزند که در استرالیا زندگی می‌کنند، پرداخته است. براساس نتایج پژوهش وی، ساختار هویت یک فرد بزرگسال به‌طور معمول، پیرامون هنجارهای «همکاری» و «والدین بودن» ساخته می‌شود، و زن مجردی که فرزندی ندارد، در خارج از این هنجار قرار می‌گیرد. با انجام این پژوهش در مورد زنان مجرد، مشخص شد که وضعیت رابطه، عامل کلیدی‌ای در ساختار هویت این زنان است. ادی، دریافت که شرکت‌کنندگان به دو گفتمان رقابتی برای ساخت هویتشان توجه داشته‌اند: ۱. گفتمان رابطه علاقه به جنس مخالف و زندگی خانوادگی؛ ۲. گفتمان زنان مجرد مستقل.

بوش<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) هویت زنانه و تأثیر آن در ورزش موج‌سواری را مطالعه کرده است. وی با

1. Linda Duits
2. Elizabeth Addie
3. Lee Bush



استفاده از نظریه «ارتباطات هویت<sup>۱</sup>»، این مطلب را بررسی می‌کند که چگونه زنان موج‌سوار در یک جامعه ورزشی - که به‌طور سنتی، مردانه است - پیشرفت می‌کنند، نشان داده می‌شوند، و بر سر هویتشان در این ورزش، مذاکره می‌کنند. یافته‌ها حاکی از این است که زنان موج‌سوار، سبک مکمل و اجتماعی‌تری را به صف موج‌سواران آورده‌اند. در این مقاله، این مسئله که «زنان، چگونه فضاهایی را برای به‌نمایش گذاشتن هویت‌های جنسیتی خود ایجاد می‌کنند؟» و «چگونه از طریق رابطه با زنان موج‌سوار دیگر، هویتشان را تقویت می‌کنند؟» بررسی شده است.

نیک لندر<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با استفاده از روش تحلیل گفتمان، بازنمایی جنسیت زنانه در رسانه‌های جمعی دیجیتال شیلی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها به دنبال آشکارسازی راهبردهای گفتمانی این رسانه‌ها، در بازنمایی ارتباط میان جنسیت زنانه و اشخاص مرتبط با آن‌ها بوده‌اند. این پژوهشگران، ضمن تجزیه و تحلیل حالت‌های بازنمایی جنسیت زنانه، بررسی کرده‌اند که رسانه‌های جمعی، چگونه زنان را مورد خطاب قرار می‌دهند، و به چه شکلی اطاعت‌پذیری جنسیت زنانه را، در موقعیت‌های خاصی، به‌نمایش می‌گذارند.

## ۲. چارچوب مفهومی و نظری

تحلیل گفتمان از منظر فلسفه سیاسی - اجتماعی در آثار میشل فوکو به اوج خود رسید. او گفتمان را در معناها و تعریف‌های گوناگونی به‌کار برده است (سلطانی، ۱۳۹۱، ۴۱-۲۵). فوکو در بخشی از کتاب «دیرینه‌شناسی دانش»، گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کند: «من به‌جای فروکاستن گام به‌گام معنای کامل واژه گفتمان، در واقع به معنای آن افزوده‌ام؛ گاهی آن را حیطه کلی همه گزاره‌ها (گزاره = حکم/ اپیستمه) قلمداد کرده‌ام، گاهی به‌عنوان مجموعه قابل تمایزی از گزاره‌ها، و زمانی نیز به‌مثابه رویه ضابطه‌مندی که شماری از گزاره‌ها را توضیح می‌دهد» (فوکو، ۱۹۷۲، ۸۰).

ارنستو لاکلا و شانتال موف نیز در حوزه فلسفه سیاسی، مفهوم گفتمان فوکو را با دیدگاه‌های دیگر اندیشمندان درآمیختند و نظریه گفتمان خود را شکل دادند (سلطانی، ۱۳۹۱، ۲۶). از دیدگاه لاکلا و موف، گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و تغییر در گفتمان‌ها، تغییر در جهان اجتماعی را به‌همراه خواهد داشت. آن‌ها بر این نظرند که هر گفتمانی، بخش‌هایی از حوزه اجتماعی را در سیطره خود گرفته و با دراختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به‌گفتارها و رفتارهای



1. CTI
2. Stefanie Niklander
3. Michel Foucault

فردی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌دهد (صادقی فسایی، ۱۳۹۱، ۱۴). علاوه بر این، آن‌ها معتقدند، مفهوم گفتمان به منزله کلیتی معنادار است که موجب استعلای تمایز موجود میان امر زبانی و فرازبانی می‌شود (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ۳۳).

در قالب یک روایت کلی از نظریه گفتمان لاکلا و موف می‌توان گفت، گفتمان قصد دارد از طریق بست، عنصرها (دال‌های شناور در میدان گفتمان) را به ابعاد (دال‌های دارای تثبیت معنای مشخص در داخل گفتمان) تبدیل کند و به این ترتیب، از ابهام آن کاسته و این رابطه برقرار شده میان دال و مدلول را هژمونیک کند، اما موفقیت در این کار، هیچ‌گاه کامل نیست، چون معناها می‌توانند که گفتمان به میدان گفتمان طرد می‌کنند، همواره ثابت بودن معنا را تهدید می‌کنند و گفتمان‌های دیگر (گفتمان‌های متخاصم) نیز از طریق غیرت‌سازی، به دنبال واسازی و ساختارشکنی گفتمان تثبیت شده هستند. در نتیجه، تمام ابعاد، به طور بالقوه، چندمعنایی باقی می‌مانند، یعنی ابعاد یا دال‌های پیرامونی داخل در گفتمان، همواره، به طور بالقوه، عنصر هستند (یورگنسن، ۱۳۸۹، ۶۱-۶۰). اگر بخواهیم گذری به هویت و رهیافت‌های مختلف موجود در مورد آن داشته باشیم، می‌توانیم تمام تلاش‌هایی که برای مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی هویت انجام شده است را در قالب سه رویکرد نظری ارائه دهیم: ۱. رویکرد سنتی؛ ۲. رویکرد مدرن؛ ۳. رویکرد پسامدرن (دوران، ۱۳۸۹، ۱۵۹). پژوهش حاضر براساس «رهیافت گفتمانی» که در قالب رویکرد پسامدرن قابل دسته‌بندی است، انجام شده است.

در چارچوب رهیافت گفتمانی، هویت در گردونه‌ای تنیده شده از «استمرارها» و «عدم استمرارها»، «سنت‌ها» و «بدعت‌ها»، «تکرارها» و «انقطاع‌ها» و در رابطه‌ای پرتافته از مناسبات «درزمانی» و «هم‌زمانی»، «جانشینی» و «هم‌نشینی»، «سازواره» و «عدم سازواره»، «عقلایی» و «غیرعقلایی» شکل می‌گیرد. معنایابی یا هویت‌یابی، محصول موقعیت، منزلت، و جایگاه سوژه است. معناساز بودن هویت، بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. معنا، خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست، بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است؛ بنابراین، «معنا» از ماهیتی قراردادی برخوردار است و هویت خود را در بستر گفتمان‌ها به دست می‌آورد. معنا و هویت حاصل رابطه بین «دال» و «مدلول» است، ولی هیچ رابطه ذاتی و ازپیش‌ارزانی شده‌ای بین این دو وجود ندارد.<sup>۱</sup> در یک کلام، هویت‌ها در بستر گفتمان‌های روان، متغیر، متحول، و غیرشفافی شکل می‌گیرند که

۱. البته از نظر نگارندگان پژوهش، قراردادی بودن معنا همواره صادق نیست، بلکه روابط انحصاری و واقعی میان نشانه معناها، و همچنین معانی اصیل نیز وجود دارد، که این گونه معانی عموماً به حوزه معرفت‌شناسی اسلامی مربوط می‌شوند. گرچه در پژوهش حاضر نیز مانند پژوهش‌های علمی دیگر در حوزه گفتمان‌شناسی، فارغ از چنین برداشت معرفت‌شناسانه‌ای، با داده‌ها برخورد شده است.



تاروپود هریک بر «عناصر»، «دقایق»، «نقاط متعالی»، «روابط قدرت»، و «نظام‌های صدقی» متفاوتی استوار است (تاجیک، ۱۳۸۲، ۱۰۳-۱۰۲).

در پژوهش حاضر، تمرکز مطالعه بر هویت زنانه است. در حوزه این هویت، به سبب تحولات جهان مدرن، تغییرات جدی‌ای ایجاد شده است. در کنار دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های اقتصادی و مشارکت زنان در کارهای درآمدزا و افزایش فرصت‌های تحصیلی و آموزشی همراه با آن، موجب فراوانی اجتماع‌ها، گروه‌ها، روابط اجتماعی، و وابستگی‌های گروهی زنان شده و در نتیجه فراوانی و افزونی منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است. این فرایند، تأثیر عمیقی بر نهادهای جامعه و همچنین بر آگاهی زنان گذاشته و سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی در خانواده پدرسالار، به ویژه در میان زنان تحصیل کرده و شاغل می‌شود. در دهه‌های اخیر، ساختار سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی است، در اثر فرایندهای جدایی‌ناپذیر و به هم پیوسته کار و آگاهی زنان، زیر سؤال رفته است. تحصیلات عالی و اشتغال زنان، از یک سو، باعث کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌های جدید و از سوی دیگر، سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های جدید می‌شود و به تعارض هویت اجتماعی زنان - به ویژه در بخش‌هایی از جامعه که بیشتر در معرض این تغییرات نهادی و فرهنگی قرار گرفته‌اند - می‌انجامد. هویت‌یابی که پیش از این تحولات و در جامعه سنتی، عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی، به ویژه جنسیت، بود و توسط سنت و نهادهای اجتماعی، دینی، و سیاسی‌ای شکل می‌گرفت که نظام‌های معنایی مشخصی را تولید می‌کردند، با تأثیرپذیری از عرضه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین، وسعت یافتن روابط اجتماعی، و وابستگی‌های گروهی و آزادی و استقلال نسبی آن‌ها در خانواده، صورتی فعالانه و غالباً آگاهانه و تأملی (بازاندیشانه) به خود می‌گیرد (ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳، ۷۲-۷۱). با توجه به این رویکرد جدید فعالانه و بدون در نظر گرفتن منابع سنتی هویت‌ساز که به حاشیه رفته‌اند، زنان به دنبال کسب هویت‌های جدید هستند و در این میان، گفتمان‌های مختلف، سعی در سوژه کردن آن‌ها برای گفتمان خود دارند.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش‌هایی که روش‌های کیفی و به ویژه روش تحلیل گفتمان را به کار می‌گیرند، از رهیافت‌های متنوعی استفاده می‌کنند. این رهیافت‌ها عمدتاً تلفیقی از نظریه‌ها و روش‌های گوناگون در رویکردهای نظری - گاهی - متفاوت هستند. این نکته اهمیت فراوانی دارد که هیچ توافق پیشینی‌ای در مورد پذیرفتن چنین ترکیبی وجود ندارد و پژوهشگر، مسئول تشریح و اثبات تناسب





بین موقعیت‌ها و اهداف است (لیندلاف<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). در واقع، پژوهشگران به‌طور فزاینده‌ای و در سطوح مختلفی از انسجام و موفقیت، سنت‌های فکری را با هم ترکیب می‌کنند که برخی از آن‌ها منطقی‌تر و موفق‌تر از سایرین هستند (مرادی، ۱۳۹۰، ۴۸-۴۷). این در حالی است که در بسیاری از رویکردها، نظریه‌های تحلیل گفتمان را هم به‌مثابه روش در نظر می‌گیرند و هم به‌مثابه نظریه، و تفکیک چندان روشنی بین این دو در تحلیل گفتمان وجود ندارد (پال‌گی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

در اینجا قصد داریم تا حد امکان، نشان دهیم که درک دال‌ها و پیوندهای گفتمانی<sup>۳</sup> چگونه در میدان این پژوهش رخ می‌دهد و پژوهشگر این تحقیق، چگونه یک مفصل‌بندی خاص را شناسایی می‌کند. گفتمان‌ها همواره در صدد پیوند دادن دال‌های گفتمانی خود با معرفت‌های بنیادین‌تر هستند تا بتوانند دال‌های کمتر بدیهی خود را بدیهی جلوه دهند. در این وضعیت، پژوهشگر با توجه به ساختار استدلالی‌ای که از طریق متن یا تصویر کنش گفتمانی مطرح می‌شود، پیوند گفتمانی یادشده را درک کرده و هر دو طرف پیوند را به‌عنوان دال گفتمانی - که عموماً یکی از این دال‌ها بدیهی و بنیادین‌تر از دیگری است - در نظر می‌گیرد و آن‌ها را در قالب ساده و بدون آلاچی در مفصل‌بندی گفتمانی جای می‌دهد. این کار با استفاده از ابزارهای پدیدارشناسی و تحلیل گفتمانی چون «اپوخه<sup>۴</sup>»، «مقایسه» و «تعویض<sup>۵</sup>» (ابزارهای واسازی<sup>۶</sup> گفتمان مورد مطالعه) (پورگنسن، ۱۳۸۹، ۲۴۵-۲۴۳) و «انتزاع و مقوله‌بندی» انجام می‌شود.

به‌عنوان مثال، هنگامی که گفته می‌شود: «دختر شایسته، چگونه دختری است؟ دختری که... زیبایی و جذابیت... و امروزی بودن را با هم در خود جمع کرده باشد»، پژوهشگر با استفاده از تکنیک اپوخه، در بدیهی‌ترین حالت (سطح رسوب گفتمانی)، پیوند میان «دختر» و «لزوم شایسته بودن» را شناسایی می‌کند و پس از تثبیت پیوند گفتمانی (لزوم شایسته بودن دختر) و گرد هم آمدن آن‌ها در یک دال، پیوند میان این دال گفتمانی را با مفاهیم «زیبا و جذاب بودن» و «امروزی بودن» تشخیص می‌دهد. این شناخت، نتیجه استفاده از تکنیک‌هایی مانند مقایسه و تعویض

1. Thomas Lindlof
2. James Paul Gee

۳. منظور از دال گفتمانی «هر آن چیزی است که از سوی گفتمان، بدیهی فرض می‌شود».  
۴. در اپوخه، پژوهشگر تجربه‌های پیشین خود را تا جایی که ممکن است، به کناری می‌نهد و این کار را برای خلق فضایی تازه در مورد پدیده مورد بررسی، انجام می‌دهد (الوانی، ۱۳۹۳، ۲۲۰).  
۵. تکنیک‌های مقایسه (مقایسه متن با موقعیت‌های به‌طور کامل متفاوت) و تعویض (نوعی مقایسه است که در آن تحلیل‌گر، خود متن جدیدی را برای مقایسه خلق می‌کند) هر دو مانند اپوخه، عمل واسازی را انجام می‌دهند و به ساختار شکنی ذهن پژوهشگر برای شناسایی دال‌های گفتمانی - به‌ویژه دال‌هایی که خود پژوهشگر نیز بدیهی فرض می‌کند - کمک می‌کنند.  
۶. قطع پیوند دو دال گفتمانی و از ثبات معنایی خارج کردن طبیعی بودن چنین پیوندی.



است که این درک را به پژوهشگر می دهند که به دنبال گفتمان های دیگری باشد که «دختر شایسته بودن» را به گونه ای دیگر تعریف کرده اند.

در این شرایط، «دختر شایسته بودن» به عنوان معرفت بنیادین تر، و «زیبا و جذاب بودن» و «امروزی بودن» به عنوان دال های مناقشه برانگیزتر شناسایی می شوند<sup>۱</sup>. همچنین پژوهشگر با استفاده از تکنیک هایی مانند انتزاع و مقوله بندی، مصداق های جزئی ای که در کنش های گفتمانی مطرح می شوند را براساس شباهت با دال های دیگر، به صورت مفهومی و کلی تر مطرح می کند، تا دسته بندی شده و تحلیل های عمقی تری روی آن ها انجام شود. این کار در راستای مقوله بندی دال های خرد (سطح کلی تر پس از مصداق ها) برای تبدیل آن ها به دال های کلان تر نیز انجام می شود.

پژوهشگر در ادامه تحلیل سعی می کند با بررسی اینکه گفتمان مورد مطالعه چه هویت های گروهی، شخصی، مفهومی و... را برجسته و مطلوب جلوه می دهد، و چه هویت هایی را به حاشیه می راند، گفتمان های متخاصم یا هم ارز را شناسایی کند، و نسبت این گفتمان ها با گفتمان مورد مطالعه را دریابد. در واقع، این کار را در راستای درک فضای معرفتی نظم گفتمانی مورد مطالعه و شناخت گفتمان ها و محل های نزاع درون آن، همچنین فهم بازنمایی های گفتمان ها از یکدیگر، انجام می دهد؛ برای نمونه، سخن گفتن محمدرضا پهلوی درباره «مارکسیست ها» و «روحانیت مسلمان» با عنوان «اتحاد نامقدس سرخ و سیاه»، اطلاعات خوبی را برای درک نظم گفتمانی هویت زنانه در ایران دوران پهلوی دوم و نحوه هم ارزی سازی و بازنمایی دیگری های گفتمانی، در اختیار پژوهشگر قرار می دهد.

پس از استخراج دال های گفتمانی که می تواند به دو صورت دال خام و بدون پیوند (مانند آزادی) یا دال پیوند خورده با دال دیگر (مانند آزادی در دموکراسی)<sup>۲</sup> انجام شود، نقشه مفصل بندی گفتمان ترسیم می شود. این نقشه از پیوند دال های خام با یکدیگر و شکل گیری یک دال جهت دار تشکیل می شود. برای خوانش درست الگوهای مفصل بندی - در بخش یافته ها - لازم است این نکته ها در نظر گرفته شود: ۱. در الگوهای مفصل بندی، هر دایره، نمایانگر یک دال گفتمانی است؛ ۲. برای خوانش دقیق تر و تحلیل عمقی تر الگو، دال های گفتمانی به صورت خام و بدون پیوند با دال دیگر - که در گفتمان یاد شده پیوند خورده - طراحی شده است. بر همین اساس، پیوندهای گفتمانی، با ارتباطی که از طریق جهت نما مشخص شده، نشان داده شده اند. در واقع، مجموع تقاطع و پیوند دو دال گفتمانی (دو دایره)،

۱. در اینجا دال گفتمانی ای چون «مطلوبیت زیبایی و جذابیت» خود معرفتی بنیادین است، اما در وضعیت قیاس با مفهومی مانند «دختر شایسته» از بدیهی بودگی کمتری برخوردار است، اما دال گفتمانی ای مانند «لزوم امروزی بودن» مناقشه برانگیزتر، و کمتر بدیهی است. چنین دالی، از معرفت بنیادین تری که به آن پیوند خورده است، بهره بیشتری می برد.

۲. مثال ها با توجه به معنای عرفی فعلی مطرح شده اند. در موقعیت زمانی-جغرافیایی دیگری، ممکن است همین دال «آزادی در دموکراسی»، دال خام تلقی شود.





یک ایده جهت‌دار گفتمان را به‌نمایش می‌گذارد؛ ۳. هر دال (دایره) تنها با دالی پیوند خورده، که با جهت‌نما به آن وصل شده است و پیوندی با دال دیگر ندارد. لازم به ذکر است، برای جلوگیری از پیچیده شدن بیش‌ازحد الگو، از بیان پیوندهای سه یا چندگانه صرف‌نظر شده است. این پیوندها از طریق شرح مفصل‌بندی، قابل‌درک هستند؛ ۴. در بخش‌هایی که بین دو دال گفتمانی ارتباط برقرار شده و این ارتباط با «خط ساده» و نه جهت‌نما ایجاد شده است، دال‌های حاشیه‌ای‌تر (دورتر از مرکز گفتمان) به‌عنوان زیرمقوله‌های دال اصلی مطرح هستند و ذیل آن تعریف می‌شوند. همچنین می‌توان گفت، این دال‌های زیرمجموعه، به‌عنوان جزئیات و تعریف دال اصلی نیز مطرح می‌شوند.

از آنجاکه هدف تحلیل گفتمان، تعمیم یافته‌ها نبوده، بلکه دستیابی به دلالت‌ها مدنظر بوده است، در پژوهش حاضر از روش «نمونه‌گیری نظری» استفاده کرده‌ایم. در واقع، در نمونه‌گیری نظری، پژوهشگر برای دستیابی به مقوله‌های عینی‌ای که بیانگر نظریه باشند، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند. ملاک پایان یافتن نمونه‌گیری در این روش، اشباع نظری مقوله‌ها است (میلانی و اباذری، ۱۳۸۴، ۱۰۱-۱۰۰). اصل اساسی نمونه‌گیری نظری، انتخاب موارد یا گروه‌هایی از موارد، براساس محتوای آن‌ها و نه با استفاده از معیارهای انتزاعی روش‌شناختی است. نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موارد با تحقیق و نه نمایا بودنشان انجام می‌شود (فلیک، ۱۳۸۷، ۱۴۱).

برای مطالعه گفتمان پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت زنانه، دو نوع پرکتیس گفتمانی از میان پرکتیس‌های رسمی و شبه‌رسمی این دوره انتخاب شدند. با توجه به اینکه یکی از نمودهای استخراج دلالت‌های رسمی یک حکومت، دسترسی به متن اصلی سخنان حاکم آن کشور (بالاترین مقام یک حکومت) است، در این پژوهش نیز تلاش شده است، براساس نمونه‌گیری نظری، دو مورد از مهم‌ترین سخنرانی‌های محمدرضاشاه درباره هویت مطلوب زنانه که ارتباط بیشتری با مسئله پژوهش حاضر داشته‌اند، به‌عنوان مرجع استخراج دال‌های گفتمانی، مطالعه و بررسی شوند. در کنار مطالعه این پرکتیس گفتمانی، به‌منظور دریافت بافت کامل‌تری از دال‌های گفتمانی، شماره‌هایی از مجله مشهور «زن روز» - براساس نمونه‌های دردسترس - مطالعه شده، و مفروضات گفتمانی آن برای تشکیل مفصل‌بندی گفتمان پهلوی دوم، شناسایی شده است.

۱. زن روز به‌عنوان یکی از پرتیراژترین مجله‌های تاریخ ایران، مجله‌ای از گروه نشریه‌های روزنامه کیهان بود که با موضوع‌های مدل‌های لباس زنانه، اخبار زنان، پزشکی، عکس، سرگرمی، کودکان، هنرپیشه‌ها، و تاریخچه لباس منتشر می‌شد. مجید دوامی این نشریه را در اوایل دهه ۱۳۴۰ بنیان‌گذاری کرد. دوامی معتقد به روزنامه‌نگاری جنجالی بود. وی در بازگشت از سفر به آمریکا که به‌منظور یک دوره مطالعاتی انجام شد، با خود طرحی به‌همراه داشت که توانست با موافقت دکتر مصباح‌زاده سردبیر کیهان- آن را در کیهان به‌اجرا درآورد. نتیجه آن، انتشار پرتیراژترین مجله تاریخ ایران، یعنی هفته‌نامه «زن روز» در سال ۱۳۴۳ و با مدیریت فروغ مصباح‌زاده و سردبیری تام‌الاختیار مجید دوامی بود. انتشار این نشریه در حال حاضر نیز ادامه دارد و کماکان زیرمجموعه مؤسسه کیهان است (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۵).

این مجله گرایش نزدیک و آشکاری به گفتمان رسمی آن دوره در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه داشته است. زن روز پس از اصلاحات مشهور به انقلاب شاه و ملت (انقلاب سفید) تأسیس شد. اصل پنجم انقلاب سفید<sup>۱</sup> بر اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور دادن حق رأی به زنان و حقوق برابر سیاسی با مردان تکیه داشت و محمدرضا پهلوی در کتاب «انقلاب سفید» خود نیز پس از بیان جزئیات اصل پنجم، بر هرچه بیشتر شدن حضور و فعالیت اجتماعی زنان به عنوان ثمره این اصل از انقلاب سفید تأکید داشت (پهلوی، ۱۳۴۵). مجله زن روز نیز در همان سال‌های پس از اصلاح قانون انتخابات و دقیقاً براساس این ایده محمدرضا پهلوی مبنی بر حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و تغییر الگوی زنان از زن سنتی به زن مدرن فعال جامعه، بنیان‌گذاری شد. به تعبیر مسعود بهنود، روزنامه‌نگار برجسته ایرانی، «زن روز که از سال ۱۳۴۳ خورشیدی آغاز به انتشار کرد، عملاً پرچمدار مدرنیسم و فمینیسم در ایران بعد از اصلاحات مشهور به انقلاب شاه و ملت بود» (بهنود، ۱۳۸۵).

روی هم‌رفته ۷ شماره از مجله زن روز به ترتیب زیر مطالعه و بررسی شده است. ملاک اصلی انتخاب شماره‌های مجله‌هایی که مطالعه شده‌اند، و همچنین مطالب انتخاب‌شده برای تحلیل، نمونه‌گیری نظری و ارتباط نمونه با موضوع پژوهش بوده است. برای حفظ انسجام محتوایی شماره‌های مورد مطالعه و همچنین کنترل اثرگذاری متغیرهای گوناگون بر محتوا در دوره‌های مختلف چاپ این نشریه، شماره‌های نزدیک به هم برای مطالعه انتخاب شده است. دلیل محور قرار دادن سال ۱۳۴۷ برای مطالعه، انتخاب «دختر شایسته» ایرانی - که توسط مجله زن روز به مسابقات جهانی فرستاده شده بود - در این سال به‌عنوان «شاهزاده خانم نوجوان<sup>۲</sup>» جهان است. این انتخاب، در چارچوب اصول نمونه‌گیری نظری (یعنی مرتبط بودن نمونه‌ها با موضوع پژوهش) و به سبب همانندی معنایی مسئله «دختر شایسته» با مسئله «هویت مطلوب زنانه»، دارای اهمیت فراوانی برای پژوهش حاضر بوده است. در کنار این مسئله، به دلیل اقتضای دیگر و اهمیت موضوعات، شماره‌های دیگری نیز در کنار نسخه‌های مرتبط با موضوع یادشده، بررسی شده‌اند. شماره ۱۴۸: این شماره به دلیل تقارن با سالروز ۱۷ دی و کشف حجاب توسط رضاشاه، به صورت «شماره مخصوص ۱۷ دی» منتشر شده است؛ به همین سبب، شماره یادشده در راستای درک گفتمانی تغییرات ایجادشده به واسطه قانون کشف حجاب - یکی از مهم‌ترین تحولات حوزه زنان در عصر پهلوی اول - اهمیت فراوانی دارد.

۱. این اصل در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱ منجر به اصلاح قانون انتخابات شد.

2. miss teen princess



شماره‌های ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱ و ۱۷۲: از جمله طرح‌های جنبی مجله زن روز، برپایی مسابقه‌هایی با عنوان دختر شایسته ایران بود که در زیر مجموعه مسابقات جهانی آن قرار داشت. تنها دو بار منتخب ایرانی این مسابقه موفق شد در مسابقات جهانی برگزیده شود. شماره‌های یادشده مجله، شماره‌هایی هستند که بر پوشش خبری این رویداد در سال ۱۳۴۷ و بررسی ویژگی‌های دختر شایسته تمرکز دارند.

شماره ۱۸۰: این شماره از زن روز، برای درک یکی از شماره‌های معمولی مجله که فارغ از تأثیرات رویدادهای خاص محلی باشد، تحلیل شده است. در پژوهش‌های کیفی، به جای تأکید بر پایایی و روایی، مفهوم قابلیت اعتماد نیز کاربرد دارد (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۹، ۱۷۱). بر این مبنا در پژوهش حاضر، قابلیت اعتماد براساس رفت‌وبرگشت‌های مداومی که با هدف «بازیابی مسیر کسب اطلاعات» انجام شده است، به دست می‌آید (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۹، ۱۱۲-۱۱۱). همچنین پژوهش حاضر دارای روایی صوری و نیز دارای روایی محتوایی است.



#### ۴. بررسی یافته‌ها

##### ۴-۱. هویت مطلوب زنانه در مهم‌ترین سخنرانی‌های محمدرضاشاه درباره زنان

در ابتدا به بررسی دو مورد از مهم‌ترین سخنرانی‌های محمدرضاشاه درباره زنان، خواهیم پرداخت<sup>۱</sup>. لازم است درکی از گفتمان و دال‌های گفتمانی شخص اول حاکم بر ایران در دوره پهلوی دوم و در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه به دست آوریم. نخستین سخنرانی در شانزدهمین سالگرد «اعطای حقوق سیاسی به زنان ایران» و در ورزشگاه آریامهر (آزادی) انجام شده است.

##### ۴-۱-۱. متن شماره (۱)

متن زیر سخنرانی محمدرضاشاه درباره زنان در سال ۱۳۵۱ است:

«عده کمی بین شما به خاطر دارند که وضع نه فقط زن، بلکه وضع زن و مرد و مملکت ایران قبل از سنه ۱۲۹۹ شمسی چه بود. آن‌هایی که به یاد دارند، می‌دانند که این مملکت به جز اسمی چیزی از آن باقی نمانده بود. مناطق مختلف مملکت، در تحت سلطه و استیلای خارجیان متعدد بود.»

۱. در میان نمونه‌های دردسترس از سخنرانی‌های محمدرضاشاه پهلوی، عنوان موضوعی دو سخنرانی، ارتباط جدی‌ای با زنان دارد و برای زنان ایراد شده است که هر دو در این پژوهش تحلیل شده‌اند.



در تمام مدت اشغال، خودستایی نمی‌کنم مسلماً یه عده‌ای بودند که دلشان خون بود. یه عده‌ای بودند که شاید به‌طور انفرادی با خارجی مبارزه می‌کردند، ولی قطعاً من بودم که در مقابل خارجی مقاومت کردم.

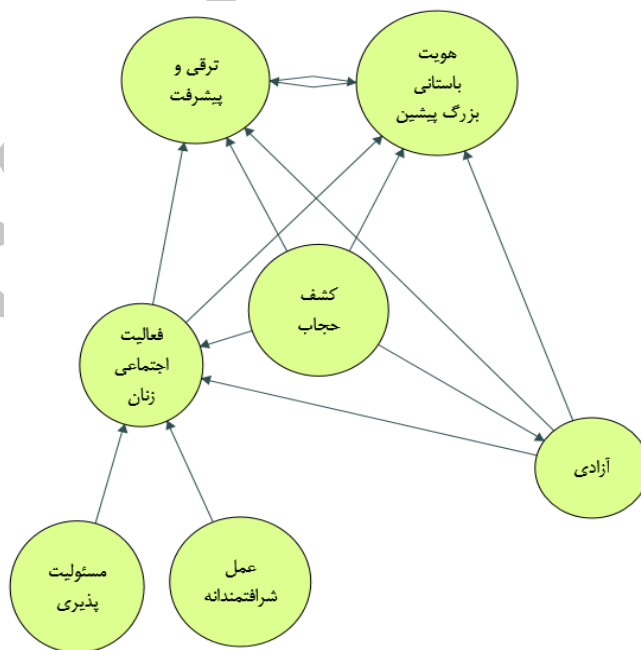
این ننگ زایل شد. نصف دیگر جمعیت ایران {به‌واسطه روز ۱۷ دی‌ماه ۲۴۹۴ روز کشف حجاب} وارد اجتماع شد. مسئولیت‌ها را قبول کرد. شاید خودش کاری در این راه انجام نداد، ولی شرافتمندانه مسئولیت‌ها را قبول کرد، برای اینکه تمام زن‌هایی که ما در کارهای مسئولیت‌دار می‌بینیم، آن کارشان را با شرافت و نزاکت و انضباط انجام می‌دهد. البته دشمنان قسم خورده ایران - اتحاد نامقدس سرخ و سیاه - میل دارد که جمعیت کشور نصف شود و نصفی که نه فقط به‌درندخور است، بلکه انگل اجتماع باشد و مادرانی باشند که در روح و فکر فرزندانشان خاک مرده پیاشند. باز دیدیم که آزادی‌های بیشتر و روزافزون‌تری که ما دادیم، بیش‌ازپیش باز آن اتحاد نامقدس بین سرخ و سیاه چه در داخل ایران و چه در خارج را روشن کرد. ولی ما به سیاست خودمان ادامه می‌دهیم. سیاست حداکثر آزادی را همین‌طور ادامه می‌دهیم برای اینکه ارکان این مملکت براساس انقلاب شاه و ملت و رستاخیز ایران طوری قوی است که این مظاهر - مظاهر واپسین جان‌کندن این اتحاد نامقدس - نمی‌تواند به آن خللی وارد بیاورد. ایران انشاءالله با پایداری فرد فرد اهالی آن به‌سوی تمدن بزرگ پیش خواهد رفت.

شاه در این سخنرانی، کشف حجاب را در زنجیره هم‌ارزی، «ورود زنان به اجتماع» توصیف می‌کند (نصف دیگر جمعیت ایران وارد اجتماع شد). او در ادامه این حرکت «حضور جدی زنان در اجتماع» را «مسئولیت‌پذیری» و به‌عنوان «عمل شرافتمندانه» تعریف می‌کند (ولی شرافتمندانه، مسئولیت‌ها را قبول کرد، برای اینکه تمام زن‌هایی که ما در کارهای مسئولیت‌دار می‌بینیم، آن کارشان را با شرافت و نزاکت و انضباط انجام می‌دهد).

وی در راستای بازنمایی گفتمان متخاصم خود - گفتمان سنت‌گرا و مذهبی، و گفتمان چپ مارکسیست - و بی‌اعتبار کردن و به حاشیه راندن این گفتمان‌ها، آن‌ها را «دشمنان قسم خورده ایران؛ اتحاد نامقدس سرخ و سیاه» معرفی می‌کند. در چنین حالتی، گفتمان سنت‌گرا به‌سبب قرار گرفتن در کنار گفتمان طردشده چپ‌گرا، و همچنین دشمن‌بودگی آن‌ها، نكوهش می‌شود و آن‌ها را پیرو اینکه تمایل دارند «جمعیت کشور نصف شود و نصفی که نه فقط به‌درندخور است بلکه انگل اجتماع باشد و مادرانی باشند که در روح و فکر فرزندانشان خاک مرده پیاشند» نشان می‌دهد. در این وضعیت، علاوه‌بر اصل گرفتن امری چون «فعالیت اجتماعی زنان»، گفتمان‌هایی که با آن مخالفت می‌کنند، «نامقدس» و «متماایل به نصف شدن جمعیت کشور» توصیف می‌شود. در این

حالت است که «زنانی که وارد اجتماع نمی‌شوند» با عنوان‌های «به‌دردنخور»، «انگل اجتماع»، و «مادرانی که در روح و فکر فرزندان‌شان خاک مرده می‌پاشند» معرفی می‌شوند.

همچنین دال‌گفتمانی «فعالیت اجتماعی زنان» که پیشتر با «کشف حجاب» پیوند خورده بود، در اینجا با «آزادی» نیز گره می‌خورد و در چنین حالتی، گفتمان متخصصم، «ضد‌آزادی» نیز تلقی می‌شود. در اینجا «آزادی»، معرفت بنیادین و موردقبولی است که برحسب مطلوبیت عمومی به معانی مختلفی پیوند می‌خورد. فعالیت اجتماعی و کشف حجاب در همین زنجیره، قابل‌تعریف هستند. محمدرضاشاه در پایان این سخنرانی، دال‌گفتمانی دیگری را نیز مطرح می‌کند (ایران انشاءالله با پایداری فرد فرد اهالی آن به‌سوی تمدن بزرگ پیش خواهد رفت)؛ در اینجا تمام اموری که پیشتر درون گفتمان مطلوب قرار گرفتند، به‌عنوان راهی برای رسیدن به «تمدن بزرگ» در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌هایی که در بطن این دال پنهان هستند و جزئی از گفتمان مطلوب این دوره در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه قرار می‌گیرند، «ترقی و پیشرفت» و «مطلوبیت رسیدن به هویت باستانی بزرگ پیشین» هستند که همگی با تعریفی از مطلوبیت «زن حاضر در اجتماع» به‌دست می‌آید.



شکل شماره (۱). مفصل‌بندی دال‌های گفتمانی اصلی سخنرانی شاه به مناسبت روز زن

دومین سخنرانی، مربوط به سخنان محمدرضا پهلوی در گردهمایی در برابر کاخ مرمر به تاریخ ۸ اسفند ۱۳۴۱ است. این سخنرانی با عنوان «بیانات اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی در گردهمایی بانوان در برابر کاخ مرمر به مناسبت فرمان دادن حق رأی به بانوان ایرانی» مطرح شده است.

۲-۴. متن شماره (۲)

متن زیر سخنرانی محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۴۱ است:

«همه اطلاع دارید که در زمان پدر من، زن‌های ایران از توی پرده به اصطلاح حجاب، ولی به عقیده من از پرده غفلت و نیستی، خارج شدند و در زندگی محدود اجتماعی، یعنی به خصوص در قسمت فرهنگ و بهداشت و بعضی مشاغل دیگر وارد شدند و از آن موقع تا به حال، دیدیم که چطور با عقیده و ایمان راسخی، وظایف خود را انجام دادند و حتی دیدیم که در هر کاری که به آن‌ها رجوع شده بود، با کمال وظیفه‌شناسی و قناعت، کار خود را به وجه خوبی انجام دادند و در حدودی که برای آن‌ها امکان بود به جامعه ایرانی خدمت کردند. ولی غیر از این قبیل کارها در اجتماع ایران و در تعیین سرنوشت خود و مملکتشان متأسفانه برخلاف دیگر زن‌های دنیای متمدن و مرفعی ارزشی نداشتند، و حتی آن‌ها در زمره افراد محجور و یا دیوانگان و غیره از حق طبیعی و اولیه اظهارنظر در امور معاشی و زندگی خانه خود که مملکت ایران است محروم می‌بودند.

از چندی پیش در این مملکت، ما دست به چنان انقلاب همه‌جانبه‌ای زدیم که به کلی اجتماع کهن ایران را دگرگون ساخت و یک مرتبه ما را از یک عقب‌افتادگی و وحشتناکی با سرعت عجیبی در صفوف اولیه اجتماع قرن بیستم پرتاب کرد، این انقلاب که باعث تحسین و اعجاب و حیرت دنیا واقع شده است تکمیل نمی‌شد، اگر ما نصف جمعیت مملکت را باز در حال خموشی، وحشت و عقب‌ماندگی نگه می‌داشتیم، افراد این مملکت را که نصف آن را شما تشکیل می‌دهید و به خصوص نسل‌های آینده را که شما مادران باید در آغوش خود تربیت بکنید، این‌ها نه از لحاظ روحی و نه از لحاظ تربیتی، آماده درک این انقلاب بزرگ ملی ما نمی‌شدند، اگر خود شما از حقوق اولیه بشری امروز دنیا و تمدن امروزی ما محروم می‌شدید.

این است که امروز این قدم دیگر نیز برداشته شد و آخرین به اصطلاح ننگ اجتماعی ما که آن هم محرومیت نصف جمعیت مملکت را دربر داشت از بین بردیم، آخرین زنجیر را پاره کردیم و تمام افراد این مملکت، از این‌پس در امور اجتماعی خود شرکت خواهند کرد و دست‌به‌دست هم، دوش‌به‌دوش هم برای اعتلا و سربلندی، ترقی، آسایش، سعادت، و



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۵۸

دوره دهم  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۶



خوشبختی این جامعه و این مملکت خواهند کوشید. مطمئن هستم که شما نسوان این مملکت به قدری به این موضوع اهمیت می‌گذارید و به قدری به این وظیفه بزرگی که از امروز بر دوش شما نهاده شده است، وارد هستید، واقف هستید که وظایف ملی خود و وظایف اجتماعی خود را بهتر از هر کسی درک نموده و انجام خواهید داد. در زندگی خود دنبال کارهای بی‌قاعده‌ای که بعضی از نسوان در بعضی از نقاط جهان می‌پردازند، نخواهید رفت و در سادگی، در متانت، در تعمق، در تعقل، در کار، در فرهنگ، در خدمات اجتماعی و بالاتر از همه، در تربیت اطفال یا برادران یا خواهران خود چنان خواهید کوشید که این جنبش عظیمی که در شما به وجود خواهد آمد، نتایج آن حتی برای خوش‌بین‌ترین افراد، غیر منتظره باشد و نشان خواهید داد که زن ایرانی که همیشه در تاریخ ایران ولو مقید بود، ولو در قید و بند بود، ولی احساسات او، قلب او، روح او چنان از عالی‌ترین احساسات همیشه آمیخته بود که شما امروز زیانزد خاص و عام چه در داخل مملکت و چه در خارج از مملکت خواهید بود که زن ایرانی، شایستگی هر نوع آزادی و هر نوع امکانات پیشرفت اجتماعی و علمی را دارد، و این افتخار را برای زن ایرانی ابدی خواهید نمود و از میان شما افراد برجسته نیکوکار چه در قسمت علم، هنر و صنعت و غیره بر خواهد خاست و در واقع عظمت این ملت را نسبت به سابق به خواست خداوند مضاعف خواهید کرد».

محمدرضا شاه در این سخنرانی تأکید بسیاری بر «اجتماعی بودن» زنان دارد. او در بخش‌های مختلفی از سخنانش (در زندگی محدود اجتماعی... وارد شدند)، (تمام افراد این مملکت، از این پس در امور اجتماعی خود شرکت خواهند کرد)، (وظایف ملی خود و وظایف اجتماعی خود)، بر لزوم اجتماعی بودن زنان تأکید می‌کند و از این مسئله به عنوان «حق زنان» و «وظیفه زنان» (وظایف اجتماعی) یاد می‌کند. وی در این وضعیت، به دنبال غیریت‌سازی گفتمان‌های متخاصم و دال‌های گفتمانی آن‌ها نیز هست و «حجاب» را به عنوان «پرده غفلت و نیستی» و در مقابل «آگاهی» بازنمایی می‌کند. به این ترتیب، زمانی که «اجتماعی بودن» زنان، مهم تلقی می‌شود، حجاب به عنوان مانع این «حق» و «وظیفه» و «آگاهی» معرفی می‌شود. در این وضعیت، شاهد پیوند دال‌های گفتمانی دیگری با «اجتماعی بودن» نیز هستیم (زن ایرانی شایستگی هر نوع آزادی و هر نوع امکانات پیشرفت اجتماعی و علمی را دارد). در اینجا «آزادی زنان» با «پیشرفت اجتماعی» نیز پیوند خورده، و «پیشرفت اجتماعی» هم‌راه با «پیشرفت علمی» تلقی شده است.

در ادامه، محمدرضا شاه، اقدام به تعریف یک زنجیره هم‌ارزی و یک زنجیره تفاوت می‌کند؛



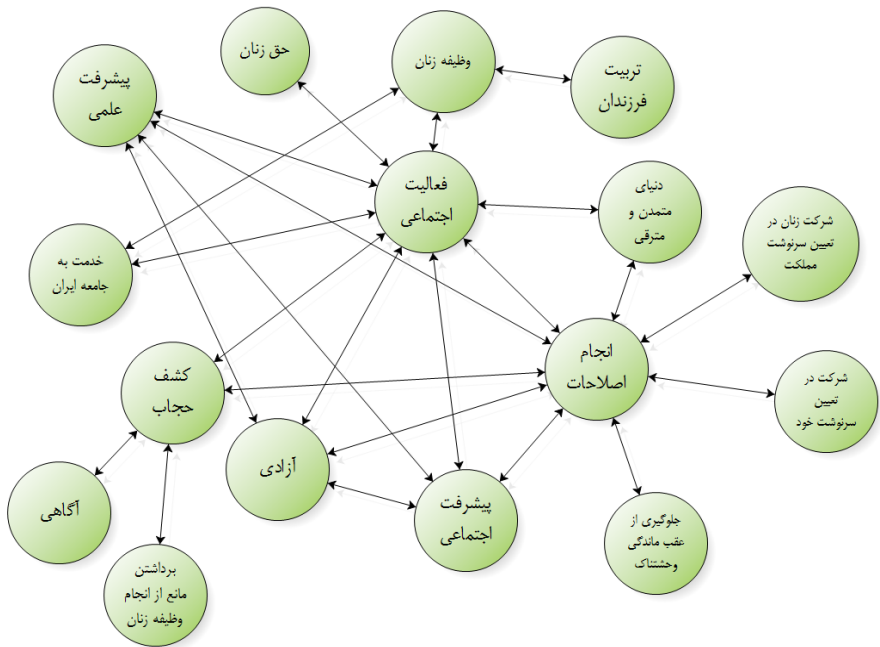
وی انجام نشدن اصلاحات مدنظر خود در فعالیت‌های زنان را- که پیش از حکم «انقلابی» وی در مورد واگذاری مسئولیت‌های کشوری به زنان و حکم پدرش رضاشاه مبنی بر کشف حجاب انجام شده بود- عدم شرکت در تعیین سرنوشت خود و مملکت توصیف می‌کند و به این ترتیب، حکومت و جامعه را در وضعیت بدون انجام شدن اصلاحات مدنظر خود، در حالت اسفباری تلقی می‌کند (حتی آن‌ها در زمره افراد محجور و یا دیوانگان و غیره از حق طبیعی و اولیه اظهارنظر در امور معاشی و زندگی خانه خود که مملکت ایران است، محروم می‌بودند)، و در مقابل، فعالیت‌های زنان در دنیای «متمدن» و «مترقی» را همسان با اقدامات اصلاحی خود در حوزه فعالیت‌های زنان برمی‌شمرد و اقداماتش را به عنوان «انقلاب همه‌جانبه‌ای که... ما را از یک عقب‌افتادگی وحشتناکی با سرعت عجیبی، در صفوف اولیه اجتماع قرن بیستم (امروزی بودن) پرتاب کرد» مطرح می‌کند.

در این سخنرانی نیز فعالیت نکردن زنان، مساوی با «خموشی، وحشت، و عقب‌ماندگی نصف جمعیت مملکت» توصیف می‌شود. محمدرضاشاه در این سخنرانی با ایجاد یک فضای استعاری، به فعالیت‌های خانوادگی زنان نیز اشاره می‌کند و از تربیت فرزندان به عنوان یکی از وظایف مهم زنان یاد می‌کند، اما این وظیفه را در کنار وظایف اجتماعی زن و نه به عنوان مهم‌ترین وظیفه وی- که در بعضی گفتمان‌های سنتی‌تر مطرح می‌شود- قرار داده است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد محمدرضاشاه در پایان این سخنرانی- شاید به منظور جلوگیری از استفاده گفتمان‌های متخاصم از دال خالی گفتمان وی- در پی ایجاد نوعی دیگری سازی هویت بعضی زنان نامطلوب «دنیای متمدن» در برابر کلیت زنجیره هم‌ارزی هویت زنانه توصیف شده توسط خودش است. او در این دیگری سازی، ضمن محور قرار دادن «وظایف ملی و اجتماعی زن»، از کارهایی نام می‌برد که بعضی زنان در خارج از ایران انجام می‌دهند و «بی‌قاعده است». با توجه به مطالبی که در ادامه این سخنرانی آمده است، احتمالاً این دیگری سازی ارتباطی به «بی‌بندوباری» زنان در بعضی وضعیت‌های اجتماعی به تعبیر او «دنیای متمدن» دارد. در این وضعیت از زنان ایرانی به عنوان زنانی که در «سادگی، متانت، تعمق، تعقل، کار، فرهنگ، خدمات اجتماعی و بالاتر از همه، در تربیت اطفال یا برادران و خواهران خود خواهند کوشید» نام می‌برد و سعی می‌کند میان زنان ایرانی با چنین بی‌بندوباری‌هایی تمایز ایجاد کند.

۱. به نظر می‌رسد تلقی محمدرضاشاه از وظایف خانوادگی مانند تربیت فرزند نیز در راستای وظایف اجتماعی زن است، زیرا زنان، فرزندان را تربیت می‌کنند و این فرزندان قرار است در اجتماع نقش‌آفرینی کنند.





شکل شماره (۲). مفصل‌بندی دال‌های گفتمانی اصلی سخنرانی محمدرضا شاه

به مناسبت فرمان دادن حق رأی به زنان ایرانی

#### ۲-۴. هویت مطلوب زنانه در مجله «زن روز»

در این بخش، مجله «زن روز» را بررسی خواهیم کرد. این مجله نزدیکی زیادی به گفتمان رسمی دوره پهلوی دوم در حوزه نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه دارد. یکی از معانی مهم حوزه گفتمانی زنان در دوره پیش از انقلاب، این است که: «زن مطلوب، زنی است که زیبایی قابل قبولی داشته باشد»؛ و عموماً این زیبایی در نداشتن حجاب یا حجابی متفاوت با پیشینه مذهبی سنتی ایران تعریف می‌شود. یکی از سردمداران توجه به این دال گفتمانی، مجله «زن روز» بوده است. بر این اساس، از جمله پرکتیس‌های گفتمانی اصلی، به حاشیه راندن و تبدیل به امر سیاسی کردن معنای گفتمانی اسلام درباره زن مطلوب و حجاب زن - به‌ویژه به‌صورت چادر - بوده است که پیش از آن، گفتمان هژمونیک در موقعیت جغرافیایی-زمانی ایران به‌شمار می‌آمده است. توجه به زیبایی زنان از جمله مؤلفه‌های اصلی موردنظر این مجله بوده است و زیبایی بدون حجاب، به‌عنوان زیبایی مطلوب و معقول تلقی می‌شده است.

در تصویری که بر روی جلد یکی از شماره‌های مجله زن روز به مناسبت سالگرد کشف حجاب در ۱۷ دی منتشر شده است، به واسطه مؤلفه‌های تصویری و مقایسه یک زن با حجاب



چادر و یک زن بدون حجاب، «زن بی حجاب»، زن «فعال‌تر»، «زیباتر» و «خوشحال‌تر» نمایان می‌شود و در مقابل، زنی که در قالب گفتمان سنتی ظاهر شده است، زنی «عبوس» و «منفعل» است. در واقع گفتمان از این طریق درصدد است معنای خود مبنی بر «مطلوبیت کشف حجاب» را هرژمونیک و برجسته کند و در مقابل، هویت گفتمان متخاصم خود را به حاشیه براند. به نظر می‌رسد، «به چالش کشیدن چادر» و «نکوهش آن» از جمله معانی گفتمانی پر قدرتی است که گفتمان حاکم درصدد تثبیت آن بوده است. در بخشی از مطالب این مجله (تصویر شماره ۱)<sup>۱</sup> خود چادر - و نه حجاب و پوشش اسلامی به طور کلی - به طور جدی به حاشیه رانده شده است. به نظر می‌رسد چنین پیامی با توجه به اینکه دسته‌ای از مخاطبان احتمالی مجله، با گونه‌ای از اعتقادات دینی اسلامی و ایده «لزوم حفظ حجاب» پیوند خورده‌اند، مطرح می‌شود. در اینجا گفتمان، درصدد است با توجه به ریشه‌های اعتقادی مخاطب، ایده گفتمانی خود را - درباره «مطلوبیت زیبایی»، و هماهنگی با ایده «فعالیت اجتماعی» که منجر به بروز ایده «لزوم کشف حجاب» شده است - با تنزل به سطح دیگری و تنها در مسئله پوشش چادر و نکوهش «زشتی» آن، به واسطه وجود انواع زیباتر، تثبیت کند. این مسئله با استفاده از فن و اساز و در اختیار گذاشتن گفتمان‌های جایگزین برای مخاطب زن، در نوع پوشش مطلوب برای وی، به تصویر کشیده شده است.



تصویر شماره (۱). طرح‌های پوشیده و اسلامی؛ بهتر از چادر  
منبع: زن روز، شهریور ۱۳۵۶

۱. مطالب این شماره مجله زن روز (منتشر شده در شهریور ۱۳۵۶) در چارچوب جامعه مورد بررسی پژوهش حاضر جای نمی‌گیرد و تنها به منظور کمک به تحلیل و جمع‌بندی در حوزه درک منازعه مربوط به پوشش زنانه، به این مطلب استناد شده است.



تصویر شماره (۲). سی و دو سال پیش، دختران کارآموز در آزمایشگاه حتی پشت میکروسکوپ - سر کلاس درس - رو می گرفتند!  
منبع: زن روز، شماره ۱۴۸، ص ۶، ۱۷ دی ۱۳۴۷



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۳

هویت زنانه در گفتمان  
پهلوی دوم ...



تصویر شماره (۳). طنز؛ اگر کشف حجاب نشده بود!  
منبع: زن روز، شماره ۱۴۸، ص ۱۵، ۱۷ دی ۱۳۴۷

با توجه به تصویر شماره (۲) یکی از پرکتیس های دیگر گفتمان مسلط در آن دوره برای به حاشیه راندن حجاب، مخدوش کردن اعتبار گفتمانی و اصالت حجاب با غیر منطقی نشان دادن آن بوده است. در این وضعیت سعی می شود علاوه بر چادر، مطلوبیت کلی حجاب نیز به منازعه کشیده شود، تا از این طریق، اعتبار گفتمان دیگری را سلب و خود را موجه نشان دهد. از جمله نمادها و نشانه های چیرگی یک گفتمان، قابلیت اعتبار آن است (جورکویه، ۱۳۹۲).

در چنین حالتی، آنچه به آن اصالت داده شده است، فعالیت‌ها اجتماعی و شغلی زن است. همان‌گونه که در تصویر شماره (۳) نیز مشاهده می‌شود، چادر زن به دلیل ناهماهنگی با فعالیت‌های شغلی و اجتماعی وی، به تمسخر گرفته شده است و عملی غیرمنطقی جلوه می‌کند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۴

دوره دهم  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۶

تصویر شماره (۴). ابلاغ مراتب خوشبختی محمدرضا شاه و فرح به نماینده پیروز دختر شایسته ایران در مسابقات جهانی متیخ: زن روز، شماره ۱۷۱، ص ۱۰۳، تیر ۱۳۴۷

در ادامه، برگزاری مسابقات «دختر شایسته» در ایران توسط مجله «زن روز» قابل تحلیل است که با حمایت‌های گفتمان رسمی کشور (تصویر شماره ۴)، در بالاترین سطح انجام می‌شد. با فهم ویژگی‌های مطرح‌شده برای دختر شایسته می‌توان به گفتمان زن مطلوب در آن دوره، دسترسی مشخص‌تری پیدا کرد. در شماره ۱۴۸ مجله زن روز، در توصیف دختر شایسته با این عنوان که «شایسته، نه فقط زیبا...» نوشته شده است:

مسابقه انتخاب دختر شایسته ایران، مسابقه انتخاب دختر زیبا نیست، زیرا زیبایی ظاهر، بدون زیبایی باطن، همچون غذای رنگین، ولی بی‌مزه است. پس دختر شایسته چگونه دختری است؟ دختری که هوش، شخصیت، ادب، سلیقه، زیبایی و جذابیت، هنردوستی و امروزی بودن را با هم در خود جمع کرده باشد. دختری که متعلق به زندگی امروز و دنیای متجدد و پیشرفته امروز باشد و به‌فراست دریافته باشد که انسان باید برای درک سعادت و رفاه در طول زندگانی خود، شایسته، فهمیده، و هوشیار باشد نه عروسکی آراسته! (زن روز، دی ۱۳۴۷، ۵).

تأکید گفتمانی بر ویژگی‌هایی مانند هوش، شخصیت، ادب، سلیقه، زیبایی و جذابیت، هنردوستی و امروزی بودن، به‌عنوان ویژگی‌های دختر شایسته، ازجمله تعریف‌های مدرن از هویت مطلوب زنانه است. در میان ویژگی‌های گفتمانی یادشده، یک دال، همواره با هویت زنانه گره خورده است. این دال گفتمانی، امروزی بودن است. به‌نظر می‌رسد این ویژگی از گفتمان تجدد در ایران و مدرنیسم در غرب گرفته شده و دال مرکزی حکومت پهلوی دوم است.



وفاي هادي روش‌پلنده  
وسيله ايداء بپوهاند.  
دندان جوان کتور  
کارت کرده‌اند که در  
هر زمانه‌ای قادر باشد  
قدرت هوش هستد .  
این زینت سخن است  
بخت زین و طبع‌های  
باشد، که حتی بسیاری  
از مردان و سران جرات  
انجام آرا نمائند.  
چهره حسن و عفت‌ان  
عزیز و جبرار ما نگاه  
کند . آبا عنوان از  
لحن آن دروغ  
وروزی ؟

نهاد دهران فارغ التحصیل دانشگاه کتور، حال سال رو پاره‌ای است . این  
سیر معرزی ، جهت هم‌های زن روشنگر ایران را بهتر نشان میدهد .

**✱ زن و سمه‌کش معتقد به جادو و جنبل و جن و پری چگونه به زنی و نظامی و استاد دانشگاه مدلل شد ؟ این رپورتاژ با عکسهای زنده و جالب خود سیریک ترقی ۳۲ ساله را که نمره برجسته کشف حجاب و آزادی اجتماعی زن است بازبانی گویا اثبات میکند و نشان میدهد که اگر نهضت آزادی زن نبود زن ایرانی امروز هنوز ارزش دیگ و کماجدان نوی آشپزخانه را میداشت !**

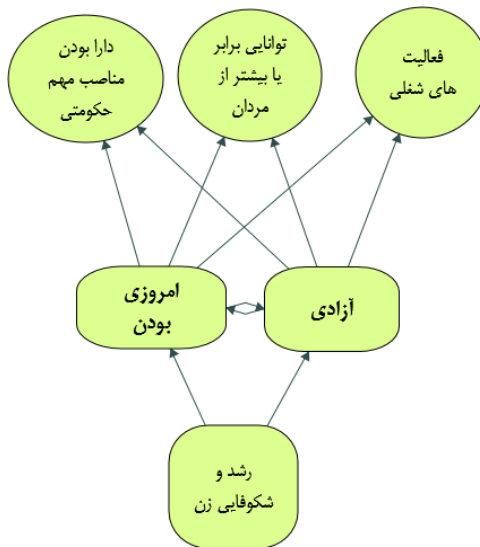
پارلمان صحنه دیگری از فعالیت‌های زن «عوضه» ایرانی است . «عوضه»  
سوره یادداشت بیش از ۳۰ نماینده زن ، گم تکمیلی تلازمی در این راه برداشت .



تصویر شماره (۵). زنان چگونه بعد از کشف حجاب پیشرفت کردند و در فعالیت‌های اجتماعی و شغلی حضور پیدا کردند...

منبع: زن روز، شماره ۱۴۸، ص ۸، ۱۷، دی ۱۳۴۷

در تصویر شماره (۵) در بازنمایی از هویت گفتمانی متخاصم، این‌گونه وانمود شده است که هویت زنانه در گفتمان سنت‌گرا، در زنجیره هم‌ارزی «خرافه‌گرایی» (زن و سمه‌کش معتقد به جادو و جنبل و جن و پری)، «در خانه بودن» (در آشپزخانه بودن) و «شی‌ءوارگی» (ارزش دیگ و کماجدان داشتن) تعریف می‌شود. این در حالی است که در گفتمانی که به تجدد قائل است، هویت زنانه در زنجیره هم‌ارزی «دارا بودن مناصب مهم حکومتی» (پارلمان، صحنه دیگری از فعالیت‌های زن نوحه‌خواه ایرانی است)، «فعالیت‌های شغلی» (زن اتمی و نظامی و استاد دانشگاه)، «توانایی برابر یا بیشتر از مردان» (سخت‌ترین وظیفه‌ای باشد که حتی بسیاری از مردان و پسران جرئت انجام آن را نداشته باشند) تعریف می‌شود و همه این‌ها در ذیل دال گفتمانی‌ای مانند آزادی و کشف حجاب (اگر نهضت آزادی زن نبود...) که زمینه بروز این امور مطلوب است، رخ می‌دهد.



شکل شماره (۳). زنجیره هم‌ارزی رشد و شکوفایی زن (بازنمایی گفتمان از این زنجیره بنا به منافع خود برعکس است)



در اینجا ذکر نکته‌ای درباره زنجیره هم‌ارزی ضروری به نظر می‌رسد. در زنجیره هم‌ارزی، یک امر مطلوب درون زنجیره‌ای از صفات تعریف می‌شود. در واقع امر مطلوب، الگوی دلالتی‌ای (دلیل) برای رسیدن به آن صفات است. گفتمان، در پی تحقق قدرت و ایده‌های گفتمانی خود است و از امر مطلوب (بدیهی‌تر) تنها به‌عنوان ابزار استفاده می‌کند. نکته دیگری که وجود دارد این است که در مرحله نخست، دال‌هایی مانند «آزادی» و «امروزی بودن» به‌عنوان معناهای گفتمانی‌ای که تحقق‌بخش «رشد و پیشرفت زنان» هستند، مطرح می‌شوند. همین دال‌های گفتمانی، زمانی که اصلاتی برای آن‌ها تعریف شد، خود دارای اعتبار می‌شوند و معانی گفتمانی دیگر می‌توانند در سایه برجسته‌سازی همراه با آن، مطلوب تلقی شوند. براساس تصویر شماره (۵)، معانی گفتمانی‌ای مانند «دارا بودن مناصب مهم حکومتی»، «فعالیت‌های شغلی» و «توانایی برابر یا بیشتر از مردان» به‌واسطه دال‌های «آزادی» و «امروزی بودن» برجسته می‌شوند؛ دال‌هایی که ممکن است پیشتر، به‌واسطه پیوند با امر مطلوب کلی‌ای مانند «رشد و پیشرفت زنان» اصلت پیدا کرده باشند.

۱. تمام این دال‌ها که پیش از مفصل‌بندی در گفتمان، به‌عنوان دال شناور در میدان یا نظم گفتمانی، حاضر و دارای چندگانگی معنایی بوده‌اند، از طریق مفصل‌بندی، از ابهام معنایی خارج شده و در پیوند با دال‌های دیگر، معنای مشخصی گرفته‌اند.



در مطلبی دیگر از این مجله (زن روز، شهریور ۱۳۴۷، ۸)، نمونه مشابهی از غیریت‌سازی به‌نمایش گذاشته شده است. در این مطلب، «موفقیت زنان» (چرا ما ایندیرا گاندی و مادام کوری نداریم؟ چرا از میان زنان ایران، نابغه بیرون نیامده است) در زنجیره هم‌ارزی «تحصیلات» قرار داده می‌شود و با بازنمایی گفتمان سنت‌گرا، این گفتمان را فاقد دال‌هایی مانند «تحصیلات» (دختران دبیرستان کافرنده)، «دبیرستان دختر را فاسد می‌کند»، «آزادی زن»، و درنهایت، «پیشرفت و موفقیت زن» تلقی می‌کند. همچنین گفتمان سنت و مذهب را با «تعصب» (پدرم مردی متعصب و سختگیر است که می‌گوید دختر نباید بیشتر از ۶ کلاس ابتدایی درس بخواند) و «قاتل نبودن به تفریح» (هرکس به سینما رفت، کافر است) پیوند می‌زند. یکی از نکته‌های این مطلب، به‌حاشیه راندن خانواده و کمک دختران در فعالیت‌های خانه است (شده‌ام کلفت خانه و پرستار ۹ بچه قدونیم‌قد مادرم، که خواهر و برادرهای من هستند). به‌نظر می‌رسد در گفتمان رسمی، بر سر نوعی از آزادی فردی که با فردیت - در مقابل عضوی از خانواده بودن - همراه است، توافق می‌شود. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، دال گفتمانی زیبایی و جذابیت که در - یکی از وجوه خود - کشف حجاب تعریف می‌شود، در این دوره بسیار پر قدرت است، اما دال‌های دیگری که این زیبایی و جذابیت را تعریف می‌کنند، در نسبت برقرار کردن با نشانه‌هایی مانند آزادی و به‌روز بودن، تعریف جدیدی را خلق می‌کنند. مطلب زیر که در بخش «خواب و تعبیر خواب مصور» مجله زن روز آمده است، مشخص می‌کند که چگونه از تلفیق آزادی، امروزی بودن، زیبایی، و روشنفکری، می‌توان به مدلولی چون «برهنگی و اندام‌نمایی» رسید.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۷

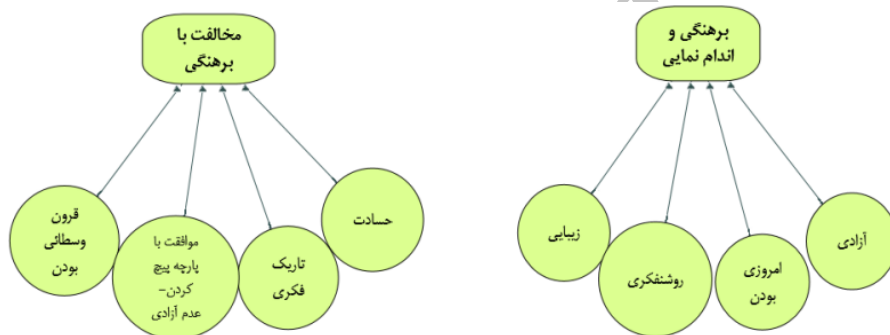
هویت زنانه در گفتمان  
پهلوی دوم ...



تصویر شماره (۶). خواب و تعبیر خواب مصور  
(خواب، تعریف می‌شود و کارشناس مجله آن را تعبیر می‌کند.)

منبع: زن روز، شماره ۱۸۰، ص ۸۹، ۹ شهریور ۱۳۴۷

در مطلب خواب و تعبیر خواب مصور «مینی ژوپ پوشیدن» را که در گفتمان سنت «بی بندوباری» و «جلف بودن» تلقی می شود (دیدم که دامن دخترک خیلی خیلی کوتاه است... اگر این طور جلف لباس نپوشیده بود، دختر بدی به نظر نمی آمد)، به عنوان گونه ای از «هم رنگ جماعت شدن» (از عروس جوانان نمی توانید توقع داشته باشید، هم رنگ جماعت نشود) و «آزادی» (فقط به خاطر طرز فکر قرون وسطایی شما، خودش را پارچه پیچ کند) توصیف می کند و مخالفت با آن در زنجیره هم ارزی «قرون وسطایی بودن»، «تاریک فکری» و «حسادت» بازنمایی می شود. در این وضعیت، «امروزی بودن» (در مقابل قرون وسطایی بودن)، آزادی (در مقابل پارچه پیچ کردن) و «زیبایی» (زنی زیبا عین ستاره های سینما)، به عروستان حسادت می کنید، زیرا از شما جوان تر و زیباتر است) در زنجیره هم ارزی «اندام نمایی» و «برهنه بودن» (مینی ژوپ پوشیدن)، (لباس بدن نمایی پوشیده بود) قرار می گیرد.



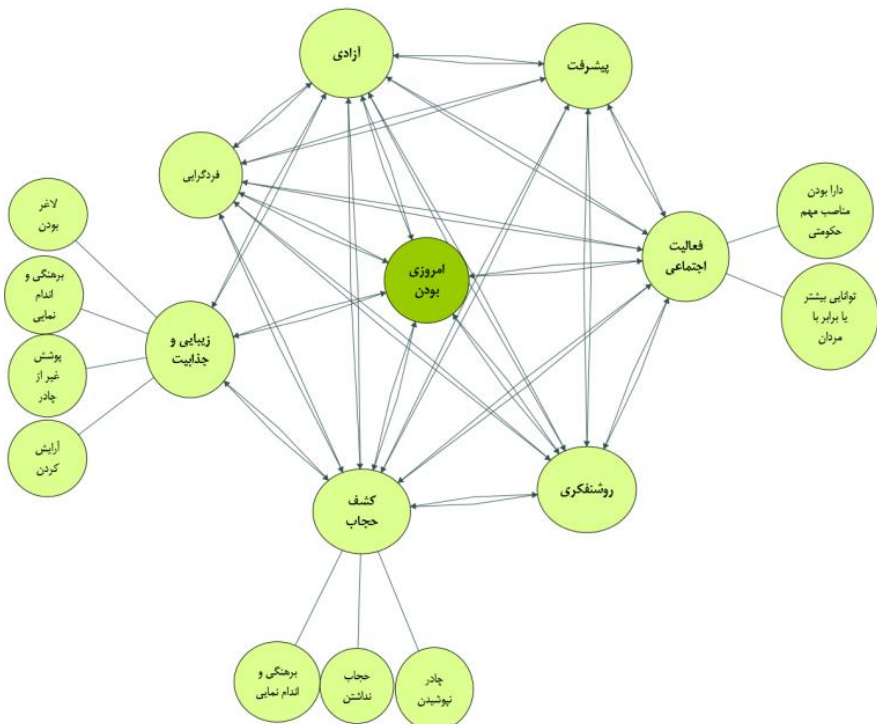
شکل شماره (۴). بازنمایی مجله زن روز از زنجیره هم ارزی «برهنگی و اندام نمایی» در مقابل «مخالفت با برهنگی»

پیش از ترسیم مفصل بندی دال های اصلی گفتمان پهلوی دوم، توجه به دو ایده گفتمانی دیگر - برگرفته از مجله زن روز - در حوزه زیبایی زنان، ضروری به نظر می رسد که عبارتند از: ایده آرایش کردن (زن روز، شهریور ۱۳۴۷، ۵۳) و لاغر بودن (زن روز، خرداد ۱۳۴۷، ۵۹). براساس گزاره های بنیادین در حوزه زیبایی زنان، لاغری، براساس تصویرسازی های رسانه ای، جزئی از بدیهیات زیبا شدن تعریف می شود (سِنْدِر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). این مسئله در مورد دال آرایش کردن نیز صدق می کند.

1. Katherine Sender







شکل شماره (۵). مفصل بندی دال های اصلی گفتمان دوره پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به ویژگی ها و ابعاد گفتمانی زن مطلوب در دوران پهلوی دوم، به نظر می رسد که تعریف گفتمان رسمی این دوره در این نظم گفتمانی، بسیار متأثر از سه اپیستمه مهم هژمونیک شده غرب در آن دوره زمانی-جغرافیایی، یعنی «آزادی»، «عقلانیت»، و «امروزی بودن» است که همگی زیرمجموعه معرفت نهادینه شده تری چون «مدرن بودن» هستند و به واسطه آن تعریف می شوند. هریک از این دال های گفتمانی نیز در پیوندی انحصاری با «زن اجتماعی» قرار می گیرند. همان گونه که مشاهده شد، زمانی که از ویژگی های دختر شایسته سخن به میان می آید، «امروزی بودن» او بسیار مهم تلقی می شود؛ همچنین، زمانی که از کشف حجاب، به عنوان گزاره ای عقلانی و آزادی گرا، در مقابل محدودیت و ناآگاهی - که برآمده از حجاب تلقی شده - صحبت می شود، اثر اپیستمه آزادی و عقلانیت که در پیوند با «اهمیت حضور اجتماعی» قرار دارد را درک می کنیم. ایده معرفتی آزادی، آغاز تعریف مدرن خود را در جهان، با انقلاب کبیر فرانسه و در ایران با دوره مشروطه و در قالب آزادی های سیاسی می یابد. این دال در طول سال ها به واسطه اهداف



گفتمانی مسلط حکومت‌ها، به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نفوذ کرد و در نقطه مهم تاریخی کشف حجاب نیز - که در تاریخ ۱۷ دی توسط حکومت پهلوی اول رقم خورد - به‌عنوان مدلولی بر دال آزادی زنان خودنمایی کرد. به‌این ترتیب، بی‌حجابی زنان ایرانی به‌عنوان حق آنان برای آزادی تعریف شد. این همان پیوند گفتمانی‌ای است که امام خمینی (ره) در سال‌های پیش از انقلاب، سعی در واسازی و به‌چالش کشیدن آن داشت. دال گفتمانی مهم آزادی با تعریفی دیگر در حوزه سیاسی، بعدها توسط امام خمینی (ره) و در دوره حیات جمهوری اسلامی نیز توسط گفتمان اصلاح‌طلبی و در حوزه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و... جلوه‌گر شد.

معنای گفتمانی «عقلانی بودن» که در مقابل نگاه خرافه‌آمیز مطرح می‌شود، همچنین «به‌روز بودن» که در مقابل نگاه سنت‌گرا و با تعریف متخاصم‌آمیز «واپس‌زدگی» نیز مطرح می‌شود، توسط گفتمان حاکم در زمان شاه به‌کار گرفته شد؛ این دال‌های مهم گفتمانی نیز از جمله دال‌هایی هستند که از گفتمان تجددگرا به این دوره کوچ کرده‌اند. بنابه تعریف تجددگرایی و به‌روز بودن در این موقعیت زمانی - جغرافیایی، مذهبی و پایبند به شعائر دینی بودن به‌عنوان جزئی از سنت‌گرایی و عقب‌ماندگی در مقابل تحولات تکنولوژیک دوره مدرن تلقی شده و در مقابل امروزی بودن و عقلانیت تعریف می‌شود. مشخص است که دال تجددگرایی نیز به‌عنوان نشانه دیگری از اپیستمه دنیای مدرن مطرح است و در چنین زمانی هرآنچه خود را با این دال، پیوند نزند، عقب‌مانده معرفی می‌شود.

گفتمان پهلوی دوم که برای تثبیت هژمونی خود به دیگری‌سازی می‌پردازد، این ابزار غیریت‌ساز خود را در جایی در مقابل کلیت حجاب، و در جای دیگری در مقابل حجاب چادر قرار می‌دهد. به‌نظر می‌رسد این دو نوع دیگری‌سازی با توجه به دو سنخ مخاطب در نظر گرفته شده است؛ یک نوع کسانی هستند که گفتمان رسمی پهلوی، تصور سوژه کردن کامل آن‌ها برای خود را در سر می‌پروراند، و در مقابل، کسانی هستند که این امکان برای آن‌ها حداقلی فرض می‌شود. براساس دیگری‌های گفتمانی، مخاطب ایده دوم، کسانی فرض می‌شوند که از هویت‌های مذهبی سرچشمه می‌گیرند. در واقع، گفتمان در اینجا قصد دارد تا حد امکان از استفاده گفتمان‌های رقیب از دال خالی، جلوگیری کند. استفاده گفتمان متخاصم از دال خالی، می‌تواند منجر به واسازی گفتمان خودی شود و دال «غیر مذهبی بودن تام» یا «مخالفت با حیا» را به خود جلب کند.

همان‌گونه که گفته شد، «حجاب» و «حجاب چادر» ایده‌هایی هستند که در این دوره به‌شدت نکوهش می‌شوند. اما صرف‌نظر از ایده‌های نکوهش‌شده توسط این گفتمان، هویت‌های مذهبی، گفتمان‌های کمونیستی - که در آن دوره بیشتر با عنوان ارتجاع سرخ و سیاه مطرح می‌شدند - و



همچنین گفتمان هرزه‌گرایی غربی، از جمله هویت‌های گفتمانی‌ای بودند که گفتمان پهلوی دوم آن‌ها را مورد بازنمایی منفی قرار می‌داد. مسئله متخصص‌سازی گفتمان هرزه‌گرایی غربی نیز قابل تأمل است. گفتمان پهلوی دوم درصدد ترویج کشف حجاب و نکوهیده نشان دادن آن، به‌ویژه حجاب چادر، بود و در این وضعیت، زنان را به فعالیت‌های اجتماعی فرامی‌خواند؛ فعالیت‌هایی که به تعبیر خودش «نصف جمعیت را بیدار و وارد جامعه می‌کند». براساس این مفصل‌بندی، در واقع حضور اجتماعی زنان، پیوند انحصاری‌ای با بی‌حجابی برقرار می‌کند.

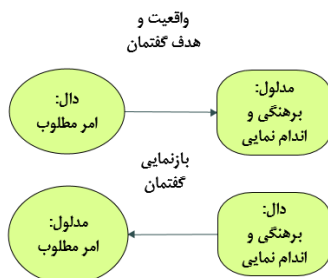
در این شرایط، گفتمان پهلوی دوم در پی ایجاد فضایی استعاری، سعی دارد خود را تا حد امکان از پیوند با گفتمان‌هایی که در جامعه ایران - به‌سبب رویکردهای مذهبی - نکوهش می‌شوند، جدا کند و خود را متمایز از آن‌ها نشان دهد و باز هم به تعبیری «دال خالی» در اختیار گفتمان‌های رقیب قرار ندهد. بر این اساس، گفتمان پهلوی، گفتمان هرزه‌گرایی غربی را که به تعبیر خودش «رویکردی در میان گفتمان‌های غربی است» - و احتمالاً در این تعبیر، چنین گفتمانی با جریان اصلی حاضر در جهان غرب متفاوت است - دیگری‌سازی می‌کند؛ از دیدگاه گفتمان پهلوی، گفتمان‌های غربی، عموماً با محوریت مدرن بودن، پیشرفت اجتماعی و ... شکل یافته‌اند و تنها در بعضی رویکردها، بی‌بندوباری نیز جزء نشانه‌های آن قرار می‌گیرد؛ بر این اساس، این‌گونه بازنمایی می‌شود که اولاً گفتمان پهلوی به دنبال چنین رویکردی نیست و ثانیاً، زنان ایرانی با توجه به ویژگی‌ها و صفت‌های اخلاقی‌ای که دارند، به‌سوی آن‌ها گرایش پیدا نمی‌کنند. این در حالی است که آنچه که هویت‌های مذهبی به‌عنوان اندام‌نمایی و برهنگی - به‌عبارت دیگر هرزگی - تلقی می‌کنند و در انضمام آن - و بدون نشانه و قالب‌گذاری - «پوشیدن لباس‌های حداقلی برای زنان حتی در مقابل افرادی به‌جز خانواده» است، در این گفتمان مورد پسند قرار می‌گیرد و مخالفت با آن رویکرد «قرون‌وسطایی» و «پارچه‌پیچ کردن» تلقی می‌شود.

روی هم‌رفته می‌توان گفت، گفتمان پهلوی دوم، گفتمان مارکسیستی و هویت‌های مذهبی را به‌شدت، دیگری‌سازی می‌کند؛ اما اگر بخواهیم درباره وجه غلبه آن صحبت کنیم، اغلب درگیری‌های گفتمانی که مجله زن روز و سخنرانی‌های شاه پرچمدار آن است، مرتبط با دیگری‌سازی مذهب و اساسی پیوند آن با هویت زنان است. در این وضعیت، وجوه مختلف هویت زنان که با مذهب - برحسب ریشه‌های گفتمانی پیشین و سنتی جامعه ایران - پیوند خورده است، ساختار شکنی و اساسی می‌شود.

از جمله نتایج به‌دست آمده در پژوهش حاضر، فهم یکی از الگوهای استفاده گفتمان از کارکرد زنجیره هم‌ارزی است. در زنجیره هم‌ارزی، یک دال گفتمانی رسوب کرده (مانند مطلوبیت لباس

زیبا پوشیدن) به‌عنوان مسئله اصلی‌ای تلقی می‌شود که گفتمان در پی تحقق آن است. در مرحله بعد، گفتمان این‌گونه القا می‌کند که بدون محقق شدن امری که موردمنازعه است (مانند لباسی با دامن کوتاه) آن دال گفتمانی رسوب کرده (لباس زیبا پوشیدن) تحقق پیدا نمی‌کند. این درحالی است که مسئله اصلی گفتمان در بطن خود، تثبیت امر موردمنازعه، از طریق ایجاد پیوند انحصاری با دال رسوب کرده است.

به‌عنوان نمونه در تصویر شماره (۷)، گفتمان این‌گونه وانمود می‌کند که هدف اصلی‌اش، بیان ایستمه‌هایی مانند آزادی، زیبایی، و روشنفکری است، درحالی‌که برهنگی و اندام‌نمایی برای این گفتمان اهمیت دارد و پیوند انحصاری برهنگی و اندام‌نمایی با آزادی، زیبایی، و روشنفکری به این سبب مطرح می‌شود که دال‌های موردمنازعه خود را تثبیت کند. درواقع، گفتمان می‌خواهد از طریق کنار هم گذاشتن دالی مانند برهنگی با دال‌هایی چون آزادی و...، برای آن‌ها وجاهت به‌دست آورد.



شکل شماره (۶). بازنمایی گفتمان در مقابل هدف گفتمان







مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان (مترجم: حسینعلی نوذری). تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۸۶)

میلانی، ندا؛ و اباذری، یوسف (۱۳۸۴). بازنمایی مفهوم «غرب» در نشریات دانشجویی. نامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۹۷-۱۲۲.

نظرزاده، شقایق؛ و افخمی، علی (۱۳۹۳). زنان در دو دولت: تحلیلی گفتمانی از جایگاه زنان در دولت‌های دهه ۸۰ شمسی. فصلنامه زبان پژوهی، ۶(۱۳)، ۱۶۵-۱۳۵. doi: 10.22051/JLR.2015.1107

السوانی، سیدمهدی؛ خانباشی، محمد؛ و بودلایی، حسن (۱۳۹۳). تبیین مفهوم اپوخه در پژوهش‌های پدیدارشناختی و کاربرد آن در حوزه کارآفرینی. فصلنامه راهبرد، ۲۳(۷۱)، ۲۴۱-۲۱۷.

ویمر، راجر دی؛ و دومنیک، جوزف آر (۱۳۸۹). تحقیق در رسانه‌های جمعی (مترجم: کاووس سید امامی). تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۳)

یورگسن، ماریانه؛ و فیلیس، لوتیزج (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی. (تاریخ اصل اثر: ۲۰۰۲)

ابلاغ مراتب خوشبختی شاه و فرح به نماینده پیروز دختر شایسته ایران در مسابقات جهانی (۱ تیر ۱۳۴۷). زن روز، ۱۷۱، ۳.

انقلابی که کشف حجاب در زندگی زن ایرانی پدید آورد! (۱۷ دی ۱۳۴۷). زن روز، شماره ۱۴۸، عکس جلد.

بنی احمد، بیژن (شهریور ۱۳۵۶). طرح‌های پوشیده و اسلامی، بجای چادر و بهتر از چادر (عکس). زن روز.

تجارتچی (۱۷ دی ۱۳۴۷). طنز؛ اگر کشف حجاب نشده بود؛ زن دو مد چادر و پیچه. زن روز، ۱۴۸، ۱۵.

خواب و تعبیر خواب مصور (۹ شهریور ۱۳۴۷). زن روز، ۱۸۰، ۸۹.

رفع سریع چاقی با تضمین (تبلیغ) (۱۱ خرداد ۱۳۴۷). زن روز، ۱۶۸، ۵۹.

زن چه بود؟؛ چهره زن ایرانی در نیم قرن اخیر (۱۷ دی ۱۳۴۷). زن روز، شماره ۱۴۸، ۶.

زن چه شد؟ (۱۷ دی ۱۳۴۷). زن روز، شماره ۱۴۸، ۸.

شایسته، نه فقط زیبا... (۱۷ دی ۱۳۴۷). زن روز، شماره ۱۴۸، ۵.

کفر درس خواندن؛ آزادی زن یعنی چه؟ [نامه‌های وارده] (۹ شهریور ۱۳۴۷). زن روز، ۱۸۰، ۸.

لوازم‌آرایش تابستانی در فروشگاه بزرگ ایران [تبلیغ] (۹ شهریور ۱۳۴۷). زن روز، ۱۸۰، ۵۳.

Addie, E., & Brownlow, C. (2014). Deficit and asset identity constructions of single women without children living in Australia: An analysis of discourse. *Feminism Psychology*, 24, 423-439. doi: 10.1177/0959353514539463

Bush, L. (2014). Creating our own lineup; identities and shared cultural norms of surfing women in a U.S. East Coast community. *Journal of Contemporary Ethnography*, 45, 290-318. doi: 10.1177/0891241614556346



- Duits, L. (2010). The importance of popular media in everyday girl culture. *European Journal of Communication*, 25, 243-257. doi: 10.1177/0267323110373461
- Foucault, M. (1972). *Archaeology of knowledge* (A. M. Sheridan Smith, Trans.). London: Routledge. (Original work published in 1969)
- Lindlof, T. R., & Taylor, B. C. (1999). *Qualitative communication research methods*. Sage Publications.
- Niklander, S., Soto, R., Crawford, B. (2015). Female gender representations in digital mass media via discourse analysis: A case study. In *The Articles collection 10th Iberian Conference on Information Systems and Technologies (CISTI 2015)*, 1458-1463. doi: 10.1109/CISTI.2015.7170610
- Paul Gee, J. (1999). *Discourse analysis, theory and method*. London: Routledge.
- Sender, K., Peterson, A., Sender, K., & Media Education Foundation (2014). *Brand new you: Makeover television and the American dream* [Video file]. Retrieved from <https://shop.mediaed.org/brand-new-you-p73.aspx>

Archive of SID